خراسان روزنامه صبح ایران
پنج‌شنبه ۵ اردیبهشت ۱۳۹۸ . ۱۹ شعبان ۱۴۴۰ . شماره ۲۰۰۸۲

سایروس ونس
(۲۰۰۲-۱۹۱۷ میلادی)

پنجاه‌وهفتمین وزیر خارجه ایالات متحده بود که پیش از آن، وزارت دفاع و معاونت وزارت دفاع را بر عهده داشت. دوران وزارت خارجه او، با ماجرای تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در تهران همزمان شد. ونس، یکی از مشاوران کارتر در بررسی راهکارهای برون‌رفت از بحران ناشی از تسخیر لانه جاسوسی محسوب می‌شد و در تشویق وی به استفاده از گزینه نظامی علیه ایران، نقشی محوری داشت.

چه کسانی به کارتر برای حمله به ایران خط می دادند؟

عملیات «پنجه عقاب»؛ روسیاهی برای مشاوران کاخ سفید!

جواد نوائیان رودسری
info@khorasannews.com

همه چیز مرتب به نظر می‌رسید؛ هیچ کدام از طراحان عملیات «پنجه عقاب» فکر نمی‌کردند که نیروهای مخصوص «دلتا»، در قلب کویر مرکزی ایران، چنین افتضاحی را به بار بیاورند. کارتر که به دلیل تسخیر لانه جاسوسی آمریکا توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، به شدت زیر فشار رقبای سیاسی خود قرار داشت، در ۱۱ آوریل ۱۹۸۰ (۲۲ فروردین ۱۳۵۹)، به صراحت به مشاورانش اعلام کرد که می‌خواهد برای نجات گروگان‌ها از گزینه نظامی استفاده کند. به نظر بسیاری از کارشناسان نظامی، چنین عملیاتی از هر جهت نامعقول به نظر می‌رسید. اما کارتر بعد از جلسه اول آوریل ۱۹۸۰ و اظهارات هارولد براون، وزیر دفاع وقت آمریکا، تردید را کنار گذاشته و برای اجرای عملیات، تصمیم قطعی گرفته بود. هر چند نقش براون در تصمیم‌گیری کارتر مهم بود، اما در کنار او، افرادی مانند برژینسکی، سایروس ونس، ماندیل، پاول، ترنر، جردن و جونز نیز حضور داشتند که بر تصمیم رئیس جمهور آمریکا، تأثیر گذار بودند.

■ یک دموکرات جنتلمن!

هارولد براون، مردی که سخنانش به کارتر برای صدور دستور عملیات «پنجه عقاب»، اطمینان خاطر داد، وزیر دفاع ایالات متحده بود؛ دانش آموخته دانشگاه برکلی در رشته فیزیک هسته‌ای و استاد دانشگاه کالیفرنیا که دنیای علم را رها و شانس خود را در دنیای سیاست و با حزب دموکرات آمریکا امتحان کرد. برخی او را احیاکننده ارتش آمریکا می‌دانند؛ اما براون در جریان عملیات عقاب نشان داد که وقتی در شرایط بحرانی قرار داشته باشد، از واقع‌گرایی همیشگی‌اش فاصله می‌گیرد و دست و پایش را گم می‌کند! تعدادی از مورخان، براون را مغز متفکر عملیات «پنجه عقاب» می‌دانند.

■ روباه لهستانی تبار

یکی دیگر از کسانی که مشاور کارتر در انجام عملیات نظامی علیه ایران محسوب می‌شد، زبیگنیف برژینسکی بود؛ مشاور امنیت ملی کارتر و یک آمریکایی لهستانی‌تبار که در سال ۱۹۵۸، تابعیت ایالات متحده را پذیرفت. او دکترای علوم سیاسی خود را از دانشگاه هاروارد گرفته بود. از آن‌جا که کارتر، تسلط چندانی بر مسائل خارجی و روابط بین‌الملل نداشت، برژینسکی را به عنوان مشاور امنیت ملی خود برگزید تا راه و چاه را نشانش دهد. برژینسکی کاملاً موافق اقدام نظامی علیه ایران بود، اما در خاطراتش ادعا کرده که در جریان تهیه و تنظیم نقشه عملیات «پنجه عقاب» نقش محوری نداشته است. او می‌نویسد: «طرح عملیات نجات رامن، ابتدا به عنوان آخرین چاره یا یک اقدام اضطراری در صورت به خطر افتادن جان گروگان‌ها تعقیب می‌کردم و ما، به مؤثر بودن اقدامات نظامی [دیگر]، مانند محاصره دریایی ایران یا تصرف جزیره خارک و حملات هوایی به هدف‌هایی در داخل خاک این کشور، بیشتر اعتقاد داشتیم.» با این حال، وقتی پای استفاده از نیروی «دلتا» به میان آمد، برژینسکی هم با براون هم‌صدا شد و کارتر را قانع کرد که این اقدام می‌تواند او را از برزخ سیاسی که در آن گیر افتاده است، نجات دهد. با این حال، نه براون و نه برژینسکی، نمی‌توانستند تصور کنند که به چه دامی وارد می‌شوند، دام هولناکی که ضربه سنگینی به حیثیت دموکرات‌ها در ایالات متحده وارد کرد.

> برژینسکی می‌نویسد: «طرح عملیات نجات رامن، ابتدا به عنوان آخرین چاره یا یک اقدام اضطراری در صورت به خطر افتادن جان گروگان‌ها تعقیب می‌کردم و ما، به مؤثر بودن اقدامات نظامی [دیگر]، مانند محاصره دریایی ایران یا تصرف جزیره خارک و حملات هوایی به هدف‌هایی در داخل خاک این کشور، بیشتر اعتقاد داشتیم»

■ نقشه عملیاتی که عملیاتی نشد!

زمان طراحی شده برای انجام عملیات «پنجه عقاب»، دو روز تعیین شد. طبق نقشه، قرار بود نیروهای دلتا، مستقر در مصر، با فرماندهی سرهنگ چارلی بکویث، به مصیره، جزیره‌ای واقع در اقیانوس هند که متعلق به کشور عمان است، منتقل شوند. همزمان، هشت بالگرد در عرشه ناو «نیمیتز»، در انتظار دستور پرواز به سوی قلب کویر مرکزی ایران بودند. سه هواپیمای ای ام سی-۱۳۰ حامل نیروها و سه هواپیمای ای سی-۱۳۰ حامل سوخت، به همراه نیروهای نظامی، جزیره مصیره را به مقصد ایران ترک می‌کردند و در محلی واقع در صحرای طبس که «کویر یک» نامیده می‌شد، فرود می‌آمدند و در آن‌جا، منتظر هشت بالگردی که عرشه ناو را به مقصد کویر مرکزی ایران ترک کرده بودند، می‌ماندند. بالگردها، باید از عرشه ناو «نیمیتز» که در دریای عمان لنگر انداخته بود، در چهار دسته دوتایی و با مسیرهای متفاوت، پرواز می‌کردند و تقریباً، ۳۰ دقیقه پس از فرود آخرین هواپیما، به نیروهای مستقر در کویر ملحق می‌شدند. بالگردها به محض فرود، باید سوختگیری و نیروی ۱۱۸ نفره دلتا را برای انتقال به مقصد بعدی، سوار می‌کردند. دست کم شش بالگرد برای انتقال نیروها لازم بود. آن‌ها باید یک ساعت قبل از روشن شدن هوا، به محل مد نظر می‌رسیدند؛ این محل جایی در نزدیکی شهر گرمسار بود. در آن‌جا، دو مأمور وزارت دفاع که از قبل به تهران رفته بودند، نیروها را به مخفیگاه هدایت می‌کردند.

■ طرح آغاز مرحله دوم

طبق نقشه، نیروهای دلتا، به فرماندهی سرهنگ چارلی بکویث، تمام روز را در این مخفیگاه می‌ماندند و با تاریک شدن هوا، به انباری در نزدیکی تهران منتقل می‌شدند. نیروها به سه دسته قرمز، آبی و سفید تقسیم شده بودند. شش کامیون در ساعت ۲۰ و ۳۰ دقیقه، آن‌ها را به داخل تهران می‌برد. آمریکایی‌ها می‌دانستند که در پاسگاه شریف آباد، همیشه یک پایگاه ایست و بازرسی مستقر است. قرار بر این بود که چنان‌چه مشکلی پیش بیاید، نیروهای دلتا، ماموران ایرانی را دستگیر کنند و با خود ببرند. یک تیم یورش ۱۳ نفره، سوار بر یک فولکس واگن استیشن، مأموریت داشت به ساختمان وزارت خارجه حمله کند و سه گروگانی را که آن‌جا نگهداری می‌شدند، آزاد کند. ساعت ۱۱ و نیم، یک تیم، با اسلحه کالیبر ۲۲ مجهز به صداخفه‌کن، باید نگهبانان خیابان روزولت را از پادرمی‌آورد و دو پست نگهبانی واقع در این خیابان را تصرف می‌کرد.

> کارتر بعد از جلسه اول آوریل ۱۹۸۰ و اظهارات هارولد براون، وزیر دفاع وقت آمریکا، تردید را کنار گذاشته و برای اجرای عملیات علیه ایران، تصمیم قطعی گرفته بود. هر چند نقش براون در تصمیم‌گیری کارتر مهم بود، اما در کنار او، افرادی مانند برژینسکی، سایروس ونس، ماندیل، پاول، ترنر، جردن و جونز نیز حضور داشتند که بر تصمیم رئیس جمهور آمریکا، تأثیر گذار بودند

> آمریکایی‌ها باید پس از جابه‌جایی گروگان‌ها، از طریق فرودگاه منظریه - بین تهران و قم - با هواپیماهای «استارلیفتر سی ۱۴۱» از ایران می‌گریختند. برای این طرح، طرح‌های جایگزین و موازی نیز، طراحی شده و به تأیید کارتر و برژینسکی رسیده بود؛ اما همه آن‌ها زمانی اجرایی می‌شد که پای نیروهای دلتا به تهران می‌رسید؛ اتفاقی که هیچ‌گاه روی نداد

در این زمان، کامیون‌ها خود را به خیابان روزولت (خیابان شهید مفتح فعلی) می‌رساندند و نیروها، بی‌سر و صدا، از دیوار سفارت بالا می‌رفتند و وارد محوطه آن می‌شدند. قرمزها که ۴۰ نفر بودند، باید بخش غربی محوطه را تصرف می‌کردند، نگهبان‌ها را می‌کشتند و هر گروگانی را که در محل سکونت کارمندان و معاون سفیر وجود داشت، با خود می‌بردند. وظیفه کشتن نگهبان‌های محل پارکینگ و مرکز برق هم، با قرمزها بود. آبی‌ها هم ۴۰ نفر و ورود به شرق سفارت را بر عهده آن‌ها گذاشته بودند. آن‌ها باید گروگان‌های مستقر در محل اقامت سفیر، انبار و دفتر سفیر را آزاد می‌کردند. سفیدها، با ۱۳ نفر، مسئول تامین امنیت خیابان روزولت و ایجاد پوشش آتش برای عقب‌نشینی قرمزها و آبی‌ها، به سوی ورزشگاه امجدیه (شهید شیرودی) که در مجاورت سفارت قرار داشت، بودند. نیروها باید برنامه ورود به سفارت و آزاد کردن گروگان‌ها را ظرف ۴۵ دقیقه تمام می‌کردند. در این زمان، بالگردهای مخفی شده در تپه‌های اطراف گرمسار، خود را به محل ورزشگاه می‌رساندند و در همین محل، نیروها و گروگان‌ها را سوار می‌کردند.

■ طرح حمله به ساختمان وزارت خارجه ایران

درست همزمان با آغاز عملیات در سفارت، گروه دیگری از سفیدها هم در وزارت خارجه وارد عمل می‌شدند. دلیل ورود آن‌ها به این ساختمان، نگهداری سه نفر از گروگان‌ها در آن‌جا بود. نیروها باید از پنجره‌های طبقه سوم، وارد ساختمان می‌شدند، تمام نگهبانان را از بین می‌بردند و سه گروگان مد نظر را آزاد می‌کردند. یک بالگرد در محلی نزدیک به ساختمان، آن‌ها را سوار و از منطقه دور می‌کرد. در حالی که نیروهای دلتا در تهران مشغول عملیات خود بودند، یک گروه رنجر، به وسیله هواپیما در فرودگاه منظریه - بین تهران و قم - فرود می‌آمد و کنترل فرودگاه را در دست می‌گرفت. مقصد همه بالگردها، این فرودگاه بود. در منظریه، باید تمام نیروها، اعم از راننده‌ها، مترجمان، خلبان‌های بالگرد، خدمه، ماموران وزارت دفاع، تیم‌های یورش و البته گروگان‌ها، سوار هواپیماهای «استارلیفتر سی ۱۴۱» می‌شدند و ایران را ترک می‌کردند. برای این طرح، طرح‌های جایگزین و موازی نیز، طراحی شده و به تأیید کارتر و برژینسکی رسیده بود؛ اما همه آن‌ها زمانی اجرایی می‌شد که پای نیروهای دلتا به تهران می‌رسید؛ اتفاقی که هیچ‌گاه روی نداد.

منابع:
توطئه در ایران: دو برداشت از یک متن؛ زبیگنیف برژینسکی و سایروس ونس؛ گردآورنده محمود مشرقی؛ ۱۳۶۲
هدف تهران: تهاجم کارتر و وقایع پشت پرده؛ جولیتو کیه‌زا؛ ترجمه هادی سهرابی؛ نشر نو؛ ۱۳۶۲
بحران؛ جردن همیلتون، ترجمه محمد طاهری‌مقدم؛ مرکز اسناد انقلاب اسلامی؛ ۱۳۹۰
انقلاب اسلامی به روایتی دیگر؛ غلامرضا خارکوهی؛ کتابخانه پیرداد؛ ۱۳۹۳

کارتر (سمت راست)، رئیس جمهور آمریکا، در حلقه مشاورانش در کاخ سفید

اقتصاد قوی عامل مهمّ نفوذناپذیری کشور

اقتصاد: اقتصاد یک نقطه کلیدیِ تعیین‌کننده است. اقتصاد قوی، نقطه قوّت و عامل مهمّ سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است. فقر و غنا در مادّیّات و معنویّات بشر، اثر می‌گذارد. اقتصاد البتّه هدف جامعه اسلامی نیست، امّا وسیله‌ای است که بدون آن نمی‌توان به هدف‌ها رسید. تأکید بر تقویت اقتصاد مستقلّ کشور که مبتنی بر تولید انبوه و باکیفیّت، و توزیع عدالت‌محور، و مصرف به اندازه و بی‌اسراف، و مناسبات مدیریّتی خردمندانه است و در سال‌های اخیر از سوی این جانب بارها تکرار و بر آن تأکید شده، به خاطر همین تأثیر شگرفی است که اقتصاد می‌تواند بر زندگی امروز و فردای جامعه بگذارد. انقلاب اسلامی راه نجات از اقتصاد ضعیف و وابسته و فاسد دوران طاغوت را به ما نشان داد، ولی عملکردهای ضعیف، اقتصاد کشور را از بیرون و درون دچار چالش ساخته است. چالش بیرونی، تحریم و وسوسه‌های دشمن است که در صورت اصلاح مشکل درونی، کم‌اثر و حتّی بی‌اثر خواهد شد. چالش درونی عبارت از عیوب ساختاری و ضعف‌های مدیریّتی است.

تاریخ معاصر

روایت اسناد لانه جاسوسی از دیپلماسی نفتی

نفت از دیرباز، نقش بسزایی در تجارت، صنعت، جنگ و از همه مهم‌تر، سیاست داشته است. به گزارش پایگاه مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، بعد از نهضت ملی شدن صنعت نفت و خلع ید از انگلیس، شرکت‌های آمریکایی و بریتانیایی، نگران پیامدهای ملی شدن صنعت نفت ایران در سراسر جهان بودند. با سقوط دولت مصدق، دوباره دست انگلیس به منابع نفتی ایران رسید، اما این بار تنها نبود و شرکایی نیز، برای سهم‌بری از غارت منابع خدادادی ایرانیان، همراه استعمار پیر بودند. هربرت هوور، مشاور عالی‌رتبه نفتی جان فاستر دالس (وزیر خارجه آمریکا)، روانه ایران شد و با دولت زاهدی برای تشکیل یک کنسرسیوم بین‌المللی که شرکت‌های نفتی آمریکایی در آن نقش عمده‌ای داشتند، به توافق رسید. این قرارداد، در شهریور ۱۳۳۳، میان علی امینی (وزیر دارایی وقت) و هوارد پیج (معاون رئیس هیئت‌مدیره شرکت استاندارد نیوجرسی و نماینده کنسرسیوم) به امضا رسید. قرارداد کنسرسیوم را می‌توان تلاشی برای حفظ منافع شرکت‌های بزرگ نفتی و در عین حال، رعایت صوری اصول مربوط به ملی شدن صنعت نفت دانست و همچنان که علی امینی اذعان می‌کرد: «برخلاف میل مردم امضا شد». به هر حال، این قرارداد پاداش آمریکایی‌ها، در ازای بازگرداندن شاه به قدرت بود. بخشی از سیاست آمریکا در منطقه خاورمیانه و نیز ایران، چه در دهه ۱۳۳۰ و چه بعد از آن، مبتنی بر نگرانی از تقویت جنبش‌های اسلامی و ضدصهیونیستی و همچنین، ترس از فروپاشی دولت‌های دست‌نشانده‌ای همچون رژیم پهلوی بود؛ چرا که این موضوع به کاهش فروش نفت و از دست دادن متحدان آمریکا در منطقه منجر می‌شد. از سوی دیگر، مقامات سیاسی آمریکا، همواره نگران افزایش قیمت نفت بودند. این در حالی بود که در داخل ایران، مخالفت‌ها با پرچمداری علما، درباره نفوذ آمریکایی‌ها در بدنه اقتصاد ایران، روز به روز بیشتر می‌شد و واگذاری امتیازات نفتی، علت بخش مهمی از این مخالفت‌ها بود. با این حال، شاه تا آخرین روزهای حضورش در ایران، بر ادامه حضور بیگانگان در صنعت نفت ایران پای می‌فشرد و حاضر به عقب‌نشینی نبود. موضوعی که آمریکایی‌ها هم به آن حساس بودند. اسناد کشف شده در لانه جاسوسی آمریکا نشان می‌دهد که بخش مهمی از سیاست آمریکا در ایران دوره پهلوی، وابسته به شیرهای نفت بود.

پژوهش‌های تاریخی

«جدایی بحرین از ایران» چگونه رخ داد؟

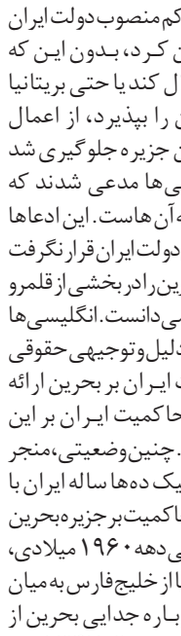

تازه‌ترین اثر موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی با موضوع «جدایی بحرین» منتشر شد. به گزارش مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، این کتاب، جلد سوم از مجموعه «تمامیت ارضی ایران در دوران پهلوی»، به قلم محمدعلی بهمنی قاجار است. مسئله جدایی بحرین در سال ۱۳۵۰، مهم‌ترین پرونده مرتبط با موضوع تمامیت ارضی ایران در عصر پهلوی محسوب می‌شود. دولت ایران، همواره بحرین را جزئی جدایی‌ناپذیر از خاک خود می‌دانست و تا میانه دوران سلطنت ناصرالدین‌شاه قاجار نیز، حاکمان محلی بحرین، بر حاکمیت ایران بر این جزیره، اذعان داشتند. پس از این که طی کودتایی، شیخ عیسی بن علی آل خلیفه، با پشتیبانی همه‌جانبه دولت انگلیس، عموی خود شیخ محمد، حاکم منصوب دولت ایران در بحرین را سرنگون کرد، بدون این که بحرین اعلام استقلال کند یا حتی بریتانیا مسئولیت اشغال آن را بپذیرد، از اعمال حاکمیت ایران بر این جزیره جلوگیری شد و در پی آن، انگلیسی‌ها مدعی شدند که بحرین، تحت‌الحمایه آن‌هاست. این ادعاها هیچ‌گاه مورد پذیرش دولت ایران قرار نگرفت و تهران، همچنان بحرین را در بخشی از قلمرو قانونی و مشروع خود می‌دانست. انگلیسی‌ها نیز در عمل، هیچ‌گاه دلیل و توجیهی حقوقی برای سلب حاکمیت ایران بر بحرین ارائه ندادند و صرفاً حق حاکمیت ایران بر این جزیره را رد می‌کردند. چنین وضعیتی، منجر به کشمکش دیپلماتیک ده‌ها ساله ایران با دولت بریتانیا، بر سر حاکمیت بر جزیره بحرین شد. در سال‌های پایانی دهه ۱۹۶۰ میلادی، موضوع خروج بریتانیا از خلیج فارس به میان آمد و زمزمه‌هایی درباره جدایی بحرین از ایران، به گوش رسید. در سال ۱۳۴۷ نیز، محمدرضا پهلوی طی مصاحبه‌ای در دهلی‌نو، به طور ضمنی از حق حاکمیت ایران بر بحرین صرف‌نظر کرد و در پی آن، با ترتیباتی که بر اساس نظر وارادہ انگلیسی‌ها اتخاذ شده بود، سرنوشت بحرین با مداخله سازمان ملل تعیین و در نتیجه، بحرین از ایران به طور رسمی جدا و به کشور مستقلی تبدیل شد. تلقی افکار عمومی ایران از ماجرای «استقلال» بحرین، که با تمام مواضع و رویکردهای دولت ایران تا پیش از مصاحبه محمدرضا پهلوی در دهلی‌نو نیز، منطبق است، «تجزیه» جزیره بحرین از ایران است. بر این اساس، بحرین، جزیره‌ای ایرانی و استان چهاردهم ایران بود که با دخالت انگلیسی‌ها و همراهی و پذیرش رژیم پهلوی، از ایران جدا شد. اثر جدید موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، سومین جلد از مجموعه «تمامیت ارضی ایران در دوران پهلوی» و مکمل دو جلد قبلی، برای فهمی جامع و فراگیر از تحولات مرزی ایران در عصر پهلوی است که به موضوع جدایی بحرین، به صورت دقیق و همه‌جانبه می‌پردازد.

صفحه آرایی
واحد صفحه‌آرایی روزنامه خراسان سفارش می‌پذیرد
روزنامه مجله ویژه نامه کتاب اینفوگرافیک گرید لوگو
layout@khorasannews.com ۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹۰

پذیرش غیرحضوری آگهی‌های تبریک، تقدیر و تشکر
پذیرش تلفنی: ۳۷۰۰ ۹۹۹۹
پذیرش تلگرامی: ۰۹۱۵۴۷۱۱۳۰۰
م/۹۸۰۰۹۳۹۰

فراخوان مناقصه عمومی به شماره ۹۷/۹ م (نوبت دوم)
سازمان جهاد کشاورزی خراسان رضوی درنظر دارد پروژه اجرای شبکه داخلی و ساختمان ایستگاه تقلیل فشار گاز مجتمع گلخانه ای برزین مهر داورزن سبزوار، با مبلغ برآوردی ۷/۱۱۸/۲۶۳/۷۵۰ ریال (اوراق خزانه اسلامی، مبلغ ۲/۴۷۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال با سررسید ۹۸/۶/۲۸ و مبلغ ۵/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال با سررسید ۱۴۰۰/۰۵/۱۸ از محل اخزا ۷۰۷ و ۷۱۳) را به شرکتهای واجد شرایط (پیمانکاران رتبه ۵ تاسیسات و تجهیزات) که دارای گواهی صلاحیت انجام کار از شرکت گاز خراسان رضوی می باشند براساس ضوابط تعیین شده در اسناد مناقصه واگذار نماید. واجدین شرایط می توانند جهت دریافت اسناد از تاریخ ۱۳۹۸/۰۲/۰۲ لغایت ۱۳۹۸/۰۲/۰۸ با کد فراخوان ۲۰۹۸۰۰۳۲۶۶۰۰۰۰۰۱ به سایت تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس http://setadiran.ir مراجعه نمایند.
تلفن های تماس: ۳۷۰۱۶۶۰۵
ضمنا هزینه درج آگهی به عهده برنده مناقصه می باشد.
سازمان جهاد کشاورزی خراسان رضوی
د/۹۸۰۰۹۳۱۰